

Analysis of the Origin and Educational Principles of Jurisprudence in Criminal Society

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Maedeh Sajjadian 1
Habibeh Mohammadi Rafee^{2*}
Roghayeh Shahabi¹

How to cite this article

Maedeh Sajjadian, Habibeh Mohammadi Rafee, Roghayeh Shahabi, Analysis of the Origin and Educational Principles of Jurisprudence in Criminal Society, *Islamic Life Style*. 2022; 6(3):710 - 716.

1. Department of Jurisprudence and Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: a_brahim@iau-tnb.ac.ir

Article History

Received: 2022/03/29
Accepted: 2022/07/11

ABSTRACT

Purpose: In human societies, dos and don'ts are established in order to regulate and regularize relations between members of the society based on the prevailing and accepted norms of that community. Sometimes these dos and don'ts are so important that the society punishes the person who violates them. In line with this principle and self-evident concept in human relations, the religion of Islam and specifically the religion of Shiism; As a claimant and provider of a comprehensive and complete theory in the regulation of human relations from before birth to after death, he has a plan to draw the Islamic utopia and to achieve the perfection and excellence of each person. **Materials and methods:** This is a descriptive-analytical study that was collected and analyzed using the sources of Shia jurisprudence.

Materials and Methods: This is a descriptive-analytical study that was collected and analyzed using the sources of Shia jurisprudence.

Findings: The results showed that Regardless of the topic of ethics, which is guaranteed to be implemented in the afterlife, in Shia jurisprudence books, the rules governing human relations are stated under the four topics of worship, transactions, iqaat and rulings. The punishments prescribed by the Holy Law in the framework of hadd, ta'zir, diya and qisas play an important role in human education. Although Islamic punishments are explained in detail in jurisprudence books with a jurisprudential and ijihad perspective, their educational goals have been neglected.

Conclusion: In general, it can be said that there are instructive moral and educational points among the Shari'a orders and laws related to the proof of the crime and the characteristics of the criminal and the quality of their execution and punishment, which can be a model for individuals and society, Islamic punishments should also be considered with this approach.

Keywords: Education, Punishment, Limits, Punishments

تحلیل منشاء و اصول تربیتی برگرفته از احکام فقهی در جامعه کیفری

مائده سجادیان^۱

گروه فقه و حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حبیبه محمدی رفیع^{۲*}

گروه فقه و حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

رقیه شهابی^۳

گروه فقه و حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: در جوامع انسانی و به منظور تنظیم و قاعده مند نمودن روابط میان آحاد جامعه بر اساس هنجارهای حاکم و مورد قبول آن جمع، بایدها و نبایدهایی وضع می گردد. گاهی این بایدها و نبایدها از چنان درجه از اهمیتی برخوردار هستند که جامعه، فرد نقض کننده آن را تنبیه و مجازات می نماید. در راستای این اصل و مفهوم بدیهی در روابط انسانی، دین مبین اسلام و به طور خاص مذهب تشیع؛ در مقام داعیه دار و ارائه دهنده نظریه جامع و کامل در تنظیم روابط انسان از ما قبل از تولد تا بعد از فوت، جهت ترسیم مدینه فاضله اسلامی و در راستای رسیدن به کمال و تعالی هر فرد دارای برنامه می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی- تحلیلی می باشد که با استفاده از منابع فقه شیعه، اطلاعات آن جمع آوری و تحلیل گردید.

یافته ها: اسلام با برنامه های تربیتی و اخلاقی و عبادت و خودسازی، از سویی و اصلاح محیط سازنده، از سویی دیگر، موجبات جرم و گناه را از بین می برد و از وقوع جنایات، پیشگیری می کند. به این معنی که اکثر افراد در جامعه اسلامی یا از تربیت والای اسلام برخوردارند، و یا دست کم، تحت تأثیر محیط سالم قرار دارند، در عین حال باز هم عده ای خواهند بود که آزادانه اصلاح پذیر نیستند، و می خواهند از هر فرصتی سوء استفاده کنند، و دست به خیانت و تجاوز به حقوق دیگران بزنند، اسلام برای قطع این علفهای هرزه جامعه، گذشته از مجازات و عقاب شدید اخروی، در همین دنیا، قوانین کیفری مقرر داشته، تا این عده، از بیم کیفر و مجازات، مرتکب جرائم و جنایات و خلاف قانون نشوند و در جامعه تجاوزها، ریشه کن و آرامش برقرار باشد.

نتیجه گیری: به طور کلی می توان بیان داشت مجازات های شرعی در مرحله تشریح، اثبات و اجرا با استفاده از روش های تربیتی توبه و عبرت آموزی، انداز، تبشیر، اعطای بینش، مواجهه با نتایج اعمال، تعافل تادیب، نقش صیانت از امنیت و حیات جامعه، و پیشگیری از بزه و دفع فساد و تادیب مجرمان بالقوه و بالفعل را ایفا می کنند.

کلیدواژه ها: تربیت، مجازات، حدود، تعزیرات، قصاص، دیات.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

*نویسنده مسئول a_brahim@iau-tnb.ac.ir

مقدمه

همه افراد جامعه، از بینش عمیق و درک بالایی برخوردار نیستند، تا خود نسبت به داشتن جامعه ای سالم، احساس نیاز کنند و از اعمال خلاف دوری نمایند. در هر جامعه ای، همان گونه که افراد نیکوکار و تابع قانون یافت می شود، گروهی قانون شکن نیز دیده می شود. نظام و امنیت و بهبود جامعه، به تشویق و پاداش نیکوکاران و تنبیه و کیفر خائنین و متخلفین از قانون، نیازمند است.

اسلام با برنامه های تربیتی و اخلاقی و عبادت و خودسازی، از سویی و اصلاح محیط سازنده، از سویی دیگر، موجبات جرم و گناه را از بین می برد و از وقوع جنایات، پیشگیری می کند. به این معنی که اکثر افراد در جامعه اسلامی یا از تربیت والای اسلام برخوردارند، و یا دست کم، تحت تأثیر محیط سالم قرار دارند، در عین حال باز هم عده ای خواهند بود که آزادانه اصلاح پذیر نیستند، و می خواهند از هر فرصتی سوء استفاده کنند، و دست به خیانت و تجاوز به حقوق دیگران بزنند، اسلام برای قطع این علفهای هرزه جامعه، گذشته از مجازات و عقاب شدید اخروی، در همین دنیا، قوانین کیفری مقرر داشته، تا این عده، از بیم کیفر و مجازات، مرتکب جرائم و جنایات و خلاف قانون نشوند و در جامعه تجاوزها، ریشه کن و نظم و آرامش برقرار باشد.

مفهوم تربیت

«تربیت»، مصدر عربی از دو ریشه «رب و» و «رب ب» است. تربیت به معنی پروردن و پروراندن، نشو و نمادادن، زیاد کردن، برکشیدن، بالا رفتن، اوج گرفتن، افزودن، رشد کردن و ... بوده و از ماده «ربو» و از باب تفعیل است. در این ریشه معنای زیادت و فزونی اخذ گردیده است.

تربیت از ریشه «رب ب»، به حالتی در شیء بعد از حالت قبل تا هنگامی که به کمال برسد، گفته می شود. و در مشتقات دیگر آن می توان این معنی را به نوعی باز یافت. مثلاً به تپه «ربوه» گفته می شود. زیرا نسبت به سطح زمین برآمده است

إِلَى رَبْوَةٍ دَاتٍ قَرَارٍ وَمَعِينٍ (۱)

نفس زدن را «ربو» گویند به سبب اینکه موجب برآمدن سینه است. (۲)

«ربا» نیز از آن رو که زیادتی بر اصل مال است، بدین نام خوانده می شود. البته در لسان شارع تنها به نوع خاصی از زیادت بر اصل مال ربا اطلاق شده و نه به هرگونه زیادتی و نیز از همین ریشه است، «رایبه» یعنی زاید که عبارت الاخرای «شدید» می باشد

فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً (۱)

خدا آنان را به عذاب سخت گرفتار ساخت

و نیز مراد از «ربت» بالا آمدن و انتفاخ زمین است که در اثر آمدن باران پدید می آید.

فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ (۱)

آنگاه بر آن باران فرو باریم تا سبز و خرم شود و نمو کند.

شکوفای ساختن استعدادهای شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سمت هدف های مورد تایید و براساس برنامه های ارزیابی شده می باشد. امر تربیتی، عملی است که روی یک فرد یا گروهی از افراد اعمال می شود (و) یا عملی است که گروهی از افراد آن را می پذیرند. تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت، تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد وجود و بطور هماهنگ پرورش داده، شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند.

بررسی امکان تعامل فقه و تربیت

فقه و تربیت، چنان که پیش از این گفته شد، هر یک نقش برجسته و انکار ناپذیری در زندگی یک مسلمان دارد. این نقش آن گاه مهم تر می نماید که نگاهی به تعامل و تأثیر و تأثر متقابل این دو داشته باشیم و آن را مورد بررسی قرار دهیم. در دو فصل گذشته به طور جداگانه به معرفی فقه و تربیت پرداختیم. در این فصل برآنیم تا امکان و چگونگی تعامل این دو را مورد بررسی قرار دهیم؛ از این رو ابتدا امکان تعامل این دو را مورد بحث قرار می دهیم. سپس به بررسی چگونگی تأثیر فقه در تربیت می پردازیم و در پایان چگونگی تأثیر تربیت و علوم تربیتی را در فقه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

از اساسی ترین زمینه های تعامل تربیت و فقه مشترک بودن موضوع این دو است. چنان که پیش از این یاد آور شدیم موضوع تربیت، انسان (متربی) است؛ به این بیان که عوامل تربیتی درصدد تأثیر گذاری بر متربی هستند و کانون این تأثیر پذیری، اندیشه، بینش، گرایش ها و بویژه رفتارهای اوست. اما آنچه از تأثیرات تربیتی در متربی بیشتر تجلی می یابد، واکنش ها و رفتارهای بیرونی اوست. از این رو کانون تأثیرات مربی در فرایند تربیت، بروز اعمال و رفتارهای مطلوب در متربی است. از سوی دیگر موضوع فقه، انسان و شؤون مختلف او و به ویژه اعمال و رفتار اوست و همین زمینه مشترک فقه و تربیت با انسان و رفتارهای او، تعامل آن دو را امکان پذیر می سازد.

رویکردهای تربیتی در باب مجازات‌ها

بررسی اجتماعات مختلف و مطالعه در روحيات افراد آنها نشان می دهد، در هر جامعه پاره ای از افراد علیرغم دستورات اخلاقی، پندها و اندرزها و ایجاد مرزها و محدودیتها، به مقررات عمومی جامعه احترام نمی گذارند و با نقض قوانین موضوعه، نظم عمومی را بر هم می زنند و چون نظم، لازمه حیات اجتماعی است، و بدون آن حیاتی برای اجتماع متصور نخواهد بود، قانونگذاران برای صیانت جامعه از گزند قانون شکنیها و تجاوزات و جلوگیری از اختلاف نظم، سعی کرده اند از وقوع اعمال و کرداری که بر خلاف قوانین موجود در اجتماع و مصالح عمومی است، جلوگیری نمایند و راه رسیدن به این خواسته را، وضع قوانین حقوقی دیده اند، که در اصطلاح حقوقدانان، «قوانین جزایی یا «حقوق جزا نامیده شده است.

مجازات و کیفر، در واقع نتیجه و بازده طبیعی عمل خود مجرم است، که وجدان عالی اجتماعی را جریحه دار نموده است، این

بنابراین «تربیت» با توجه به ریشه آن، به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است، و از این حیث که تهذیب اخلاقی، مایه فزونی مقام و منزلت معنوی است، می توان تهذیب را تربیت دانست.

این واژه (تربیت) در اصطلاح به معنی کوششی است جهت ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد، به کمال رساندن تدریجی و مداوم او. در قرآن، مفهوم تربیت (از ریشه ربّو) چندان مورد توجه قرار نگرفته است و عمدتاً مفهوم رشد و نمو جسمی از آن مراد بوده است. این کلمه در هر دو موردی که در قرآن استعمال شده، به معنی بزرگ کردن و رشد و نمو جسمی می باشد. (۱)

ولی ماده (رب ب) و استعمال مشتقات آن در رابطه با انسان، بخش وسیعی از آیات قرآن را در بر گرفته است و چنین به نظر می آید که در بررسی آنچه به عنوان تربیت اسلامی گفته می شود، باید از این ریشه آن را در قرآن جستجو نمود.

در المفردات «رب» به معنی مصدری، معادل تربیت گرفته شده است یعنی گرداندن و پروراندن پی در پی چیزی تا حد نهایت. (۲)

مفهوم جرم

جرم عبارت است از هرگونه رفتار ناهنجاری که نظم عمومی را مخدوش کرده و به عنوان یک اقدام ضد اجتماعی تلقی می شود و بنابراین جامعه این حق را برای خود قابل توجه می داند که ضمن مقابله با این چنین رفتاری، مرتکبان این گونه جرایم را مورد مجازات قرار داده و بسته به اهداف مجازات ها و متناسب با جرم ارتكابی واکنشی در خور آن نسبت به مجرمان اعمال نماید.

به عبارت دیگر، اقوالی یا افعالی که مغایر با احکام باری تعالی است. همچنین در قرآن، کلمه «یجرمنکم» به معنای کارهای ناپسند و به تعبیری گناه آمده است و همچنین لفظ «مجرمین» در آیه شریفه (۱) ناظر به همین معناست و نیز دیگر آیاتی که در باب قصاص، دیات، حدود و غیره در قرآن کریم آمده است. (۳)

فقط جرم را چنین تعریف کرده اند: «جرم، عبارت است گفتن قولی یا انجام دادن فعل، که قانون اسلام آن را حرام شمرده و بر فعل آن، کیفری قرار داشته و یا ترک فعل یا قولی که قانون اسلام آن را واجب شمرده و برای آن ترک، کیفری مقرر داشته است.

هر کس از اوامر و نواهی خدای تعالی سرپیچی کند، برای او کیفر و مجازاتی تعیین شده است و آن کیفر، یا در دنیا گریبان گیر مجرم می شود که در این صورت به وسیله امام (ع) یا نایب او یعنی ولی امر، حاکم شرع و فقیه جامع شرایط، یا قضات منصوب از طرف او به اجرا در می آید...» و یا گفته شده «جرم، امور ممنوع شرعی است که خداوند به وسیله اجرای کیفر حد یا تعزیر، مردم را از ارتکاب آن باز می دارد.»

دامنه و گستره تربیت

تربیت عبارت است از مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدفدار یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (متربی)؛ بویژه عمل یا تأثیر فرد بالغ و مجرب بر کودک و نوجوان به منظور ایجاد صفات (اخلاقی و عملی) یا مهارتهای حرفه ای؛ به عبارت دیگر تعلیم و تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل به فعلیت رساندن یا

ب) رویکرد مبتنی بر سهولت و مدارا در باب حدود با بررسی حقوق کیفری اسلامی به این نکته می‌رسیم که ماهیت حقوق کیفری و سیاست جنایی اسلام مبتنی بر سهولت و مدارا با مجرمان و متهمان است که این امر خود نشانگر یکی از رویکردهای عمیقی است که ریشه در جرم‌شناسی اسلامی دارد؛

مهم‌ترین آموزه‌ای که در این باب می‌توان به آن اشاره کرد رویکرد جرم‌شناختی مبتنی بر تساهل و تسامح است که در فقه جزایی، به خوبی در قالب قواعد فقه منعکس شده است و آن «قاعده درأ» است.

اگر بخواهیم این قاعده را به صورت مختصر تعریف کنیم باید بگوییم قاعده درأ برگرفته از مفاد و مضمون صریح حدیث معروفی از پیامبر گرامی اسلام (ص) است (۱۰) که مضمون آن را فقهای شیعه و سنی پذیرفته و نقل کرده‌اند. از جمله شیخ صدوق (ره) این طور نقل کرده است که آن حضرت فرموده‌اند: «إِدرأوا الحُدُودَ بالشُّبهات»؛ حدود را به وسیله شبهات (از متهم) دفع کنید. و متن این حدیث شریف آن قدر متقن و محکم است که با توجه به اوضاع و احوال و شرایط زمان صدور حدیث، هر انسانی مطمئن می‌شود این حدیث شریف جز از طرف معصوم (ع) نمی‌توانسته صادر شده باشد. همچنین است حدیث رفع، مذکور در کتاب خصال شیخ صدوق که از قول آن حضرت (ص) نقل شده است: «رُفِعَ عَن أُمَّتِي سَعَةِ الْأَشْيَاءِ... مَا أُكْرَهُوا عَلَيْهِ وَمَا لَا يَطِيقُونَ وَمَا لَا يَعْلَمُونَ»؛ از پیروان من آثار یا مؤاخذه‌نهی چیز برداشته شد: ... آنچه بر آن اکراه شده‌اند، آنچه را توانایی ندارند و آنچه را که نمی‌دانند» (۱۱).

رویکرد تربیتی در باب تعزیرات

الف) تعزیرات

تعزیر، عبارت است از آن عقوبتی که معین و مقدر نشده باشد. محقق حلی می‌فرماید: «كُلُّ مَالَةٍ عَقُوبَةٍ مَّقْدَرَةٌ يُسَمَّى حَدًّا وَمَالِيَسَ كَذَا لِكَ يُسَمَّى تَعْزِيرًا» (۱۲)

به عبارت دیگر حدود، در جرائمی است که میزان و کیفیت مجازات مجرم در آن موارد از طرف شارع مقدس، دقیقاً معلوم و مشخص و معین شده است، و حاکم شرع نمی‌تواند کمتر یا بیشتر از آن حد معین، مجرم را تأدیب کند، مثل: زنا، لواط، قذف، می‌گساری، دزدی و راهزنی.

اما اگر مجازات جرمی از طرف شارع معین نشده باشد، و تعیین آن به عهده حاکم شرع واگذاشته شده باشد، که خود براساس ملاکاتی تعیین کند، آن را تعزیر می‌نامند، مانند: آمیزش با حیوانات (۷) خودارضایی (۷) وقتی قاتل پدر مقتول باشد (۱۲) و ... تعزیرات باید حتماً کمتر از حدود باشد.

ب) رویکرد جرم‌شناسی اسلامی در باب تعزیرات

یکی دیگر از کارکردهای جرم‌شناسی اسلامی را می‌توان در باب تعزیرات مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و با بررسی ابعاد مختلف این نوع از مجازات شرعی می‌توان به مصلحت‌گرایی جرم‌شناسانه دین در دل این مجازات در تشریح آن پی برد. تعزیرات به لحاظ گستردگی، تنوع، قابلیت بی‌ظنیر در جهت انطباق با مقتضیات زمان،

جراحت یا با عمل خلاف قانون صورت می‌گیرد، و یا با ترک عمل مامور از سوی قانونگذار. پس مقصود نهایی از وضع و اجراء قوانین جزایی، ایجاد عدالت و توازن در هیئت اجتماع و پر کردن خلاء و گزندی است که به دست بزهکار بر پیکر آن وارد شده است، و این از تمایلات فطری و طبیعی بشر است.

رویکردهای تربیتی در باب حدود

الف) حدود

حدود که جمع حد است، در لغت به معنای بازداشتن، منع کردن، اندازه گرفتن، تمیز کردن و تأدیب نمودن می‌باشد. چنانکه می‌گویند «حَدٌّ عَلَيْهِ حَدًّا» یعنی خشم گرفت بر او و او را ادب کرد. و شیخ طبرسی نیز در ذیل آیه ۶۳ توبه تصریحاً معنای آن را منع و دفع ذکر می‌کند، و مرز را از آن جهت حد می‌گویند، که میان دو شیء واقع شده و مانع از اختلاط است. (۴)

در شرع و فرهنگ فقهات و در اصطلاح فقها، به مجموعه قوانین کیفری اسلام، حد می‌گویند که حاکم شرع بر مجرمین در موارد معین تطبیق داده و پیاده می‌کند و او را تطهیر می‌کند. (۵)

و نیز گفته‌اند: «هُوَ إِيقَاعُ عِقَابِهِ قَدَرَهَا الشَّارِعُ لِلْمُكَلَّفِ عَلَى إِرْتِكَابِ مَعْصِيَتِهِ»؛ حد عبارت است از اجراء مجازاتی که شارع، برای مکلف به جهت معصیتی که مرتکب شده است، معین نموده است. (۶) و نیز «التَّأْدِيبُ الْخَاصُّ لِمَنْ يَرْتَكِبُ الْجَرَائِمَ وَالْفَوَاحِشَ الْمُحَرَّمَاتِ»؛ نوع خاصی از ادب کردن برای آن کس که مرتکب افعال حرام می‌شود. (۷)

الازهری، حدود الله را دو نوع می‌داند، نوعی از آن، حدودی است که برای مردم در خوردن‌ها، آشامیدن‌ها، ازدواج و ... اعم از حلال و حرام معین شده است، و خداوند امر نموده به خودداری از منهیات و نهی از تجاوز از آن حدود، نوع دوم از حدود، مجازاتی است که قرار داده شده است، برای کسی که مرتکب منهی عنه شود، مثل: حد سرقت، حد زنا و ... نوع اول، حدود نامیده شده است، زیرا آنها منهیاتی است که خداوند از تجاوز از آنها نهی کرده است و نوع دوم، حدود نامیده شده است، زیرا منع می‌کند از ارتکاب آنچه را که برای آن مجازات تعیین شده است. (۸)

ابن اثیر نیز درباره حد می‌گوید: حد و حدود در روایات، در غیر موضع و محل ذکر شده است، حدودی که در روایات آمده است، محارم الهی و مجازات‌های آنها است که مقارن با گناهان ذکر شده است، و حال آنکه اصل حد، منع و جدا کردن میان دو چیز است. گویی حدود شرعی، فاصله‌ای هستند میان حلال و حرام. (۹)

طبق نظر ابن اثیر حدود بر دو گونه‌اند، گروهی که نباید به آن نزدیک شد مانند افعال زشت و حرام، و او گوید که آیه «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا» (۱) (اینها حدود الهی است، پس به آنها نزدیک نشوید) به آن اشاره دارد و گروه دیگر از حدود که نباید از آن تجاوز نمود، مانند: سهم الارث مقرر در قرآن و روایات و یا ازدواج چهار زن و ... و آیه «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا» (همان: مشیر به آن گروه از حدود است. (۹)

«تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا»: اینهاست مرزهای خدا، پس از آن تجاوز نکنید، که مراد از «حدود الله»، احکام خداست که مخالفت با این احکام و قوانین، تجاوز از حد محسوب می‌گردد.

نمودن و مجازات کردن ثمره ای جز هرج و مرج و تولید جرایم متعدد در اجتماع ندارد. بنابراین این اصل در مکاتب جرم شناسی متکی بر عقل و منطق عصر حاضر، شناخته شد و به جامعه های تحت تکفلشان ابلاغ گردید. اما در اسلام حدود ۱۳ قرن پیشتر از این مکاتب اصل شخصی بودن مجازات به صراحت در متون دینی پاری ریزی شده است. این اصل اگرچه در اسلام.

۳- اصل برابری همه در برابر مجازاتها

این اصل در واقع همه افراد را در برابر مجازاتها برابر می داند و با توجه به آن نباید بین شاه و گدا و پولدار و فقیر تفاوت قائل شد. لذا امتیازات گوناگون چون مال، ثروت، قدرت و ... در تعیین نوع و میزان مجازاتها با این اصل زیر پا گذاشته می شود. در اسلام این اصل از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی پیامبر آن محمد مصطفی (ص) مانند دیگر افراد جامعه در برابر مجازات برابر معرفی می شود، (۱) و هرگونه امتیازی را در تعیین مجازات به شدت رد می نماید و تنها ملاک در برتری انسانها را در تقوی خلاصه می کند، (۱)

هیچ ناخوشایندی نیز در انتظارشان نیست دیگر پابندی چندانی به رعایت مقررات و قوانین نخواهد داشت و کم کم جامعه با موج افزایش سرسام آور جرم و جنایت رو به رو خواهد شد (۵) و ثانیاً هنگامی که برای اشخاص قدرتمند یک جامعه، محرز باشد که در صورت تعدی و قتل مورد پیگرد قرار گرفته و افشا خواهد شد و همچنین طرف مقابل آنان اگر چه ضعیف ترین و گمنام ترین مردم باشد، می تواند با حمایت قانون، تمامی ماجرا را به افکار عمومی بکشاند و هم مقابله ی به مثل کند طبعاً فساد قدرتمندان مهار می شود افراد ضعیف جامعه با این تفکر خود را در امنیت می بینند و از ارتکاب جرایم خودداری می کنند.

باید در اینجا این نکته را افزود که بکارگیری این اصل به صورت مطلق و بدون در نظر گرفتن برخی شرایط و ضوابط در تعیین مجازاتها ممکن است گاه موجب فساد و تباهی برخی از مجرمین گردد. با توجه به این موضوع در اسلام نیز این اصل غالباً در مجازاتهای حدی و قصاص مورد توجه قرار می گیرد اما در مجازاتهای تعزیری و بازدارنده، حاکم برای تعیین مجازات توجه خاصی را به برخی شرایط و ضوابط چون شخصیت فرد مجرم یا سن و سال او و یا ... می نماید که شرح مورد نیاز آن در جای خودشان خواهد آمد. (۱۵)

اصل تناسب جرم و مجازات

از نظر جرم شناسی بجهت کمک به بزهکاران برای بازاجتماعی شدن و درمان بایستی مجازاتها با جرایم ارتکابی آنها متناسب باشد. لذا اگر کسی جرمی کوچک مرتکب شود می بایست مجازات اندکی را بچشد و اگر گناه بزرگی را مرتکب گردد بالتبع باید مجازات سنگینی را تحمل نماید. چرا که در غیر این صورت هدف متعالی از اعمال مجازاتها که همان بازگشت مجرم به جامعه است فراهم نمی گردد بلکه باعث تجری او می گردد و با اعمال مجازات بیش از جرم ارتکابی وی خود را به عنوان کسی که حشش ضایع

مکان، شخص و شخصیت مجرم و قربانی در نظام جزایی اسلام از جایگاه ممتازی برخوردار است.

بنابراین با دقت در این تفاسیر، بدین نکته می رسیم که اسلام نوعاً حتی در باب تعزیرات نیز به دنبال اجرای مجازات صرف نیست؛ بلکه در اینجا هدف از مجازات، نوعی تأدیب است که مصلحت گرایی کلی در تمامی ابعاد در آن لحاظ شده است و اگر به فلسفه آن ها بنگریم می توانیم کاملاً به قرابت معنایی و خوانشی این اصول با مفاهیم امروزی پی ببریم.

قواعد و اصول متعدد و خاص حاکم بر تعزیرات، نشان دهنده سیاست ویژه نظام اسلامی در پاسخ دهی به نابه هنجاری است. بنابراین در اینجا به قواعدی فقهی می رسیم که یکی از آن ها «التعزیر فی کل معصیه» است

. بنابراین عدالتی که لازم است حاکم نظام اسلامی داشته باشد یکی از رویکردهای اصلی ای است که در تشریح تعزیرات قانون گذاری لحاظ نمایند.

اصول حاکم بر جرایم و مجازاتهای اسلامی

از لحاظ جرم شناسی ابزارهای اصلاح مجرمین (بخصوص مجازات) می بایست از چنان ظرافت و دقتی برخوردار باشند که اهداف از پیش تعیین شده به طور کامل پیاده شوند. لذا این حاصل نمی گردد، مگر به کمک اصول و قواعدی که هم بتواند تمامی مجازاتها را به صورت عام، هدایت کند تا از موازین و خطوط تأثیرگذار در بازده مثبت اعمال مجازاتها خارج نگردد و هم به تناسب نوع و ماهیت مجازاتی خاص اعمال گردد (مثلاً اصولی که در مجازاتهای حدودی جاری می گردد) تا از افراط و تفریط ها بی پایه جلوگیری نماید. اکنون ذیلاً به اهم اصول و قواعد حکم بر مجازاتها چه در مجازاتهای خاص و چه در تمامی مجازاتها پرداخته خواهد شد.

اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها

این اصل بیانگر این موضوع است که نمی توان اشخاصی را بدون دلیل و قانون از پیش وضع شده ای مورد عقاب قرار داد. چرا که این امر هم از نظر عقلی باطل و قبیح است و هم از لحاظ شرعی مردود. این اصل با ادله قوی و انکار ناپذیری در شریعت اسلام پذیرفته شده است (۱۳) لذا تا قانونی وجود نداشته باشد نمی توانیم از افراد جامعه توقع فرمانبرداری و اطاعت داشته باشیم. (۱۴)

بنابراین اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها از لحاظ جرم شناسی دارای اهمیت فراوانی است. با این بیان در اسلام با وجود چنین اهمیتی است که شارع مقدس تمامی حدود و موازین را برای انسانها ترسیم نموده است تا با علم و آگاهی به آنها بتوانند راه سعادت و کمال خویش را از مسیر شقاوت بیابند و رستگار شوند. و در پناه چنین علم و آگاهی نیز، جرم و جنایت در جامعه کاسته شود.

اصل اختصاصی جرایم

همچنین بواسطه ی یک قتل تعداد زیادی از اقوام و هم قبیله ای های شخص قاتل به عنوان قصاص کشته می شدند و لذا افراد جامعه برای حفظ خود و مصالحشان به ارتکاب جرایم متفاوتی دست می زدند. از لحاظ جرم شناسی نیز همانگونه که معلوم است، این گونه قصاص

ولی در باطن مجموعه ای منطقی و عاقلانه از راهکارهای درمان و اصلاح و گاه پیشگیری از جرم و مجرمین است. چنانکه بی شک یکی از اهداف قانون گذاری کیفر در اسلام نیز اصلاح فرد و جامعه است. قانونگذاران برای صیانت جامعه از گزند قانون شکنیها و تجاوزات و جلوگیری از اختلاف نظم، سعی کرده اند از وقوع اعمال و کرداری که بر خلاف قوانین موجود در اجتماع و مصالح عمومی است، جلوگیری نمایند و راه رسیدن به این خواسته را، وضع قوانین حقوقی دیده اند.

References

1. Quran, translated by Mehdi E Q, Islamic Publications Office, Qom.4. Ibn Munir Eskandi, Ahmed IM (Bita), Al-Ansaf Fima, Taminah Al-Kashaf, Publisher of Maktaba and Mataba Company, Bija; 2018.
2. Esfahani Ragheb M.H, Vocabulary of the Qur'an, 4th edition, Qom, Dhul Qorabi;2003: p.150-152.
3. Qurashi A.A, Qamoos al-Qur'an, vol.7, Tehran, Islamia Publishing House;2011: p.232.
4. Fazil M, the treasure of al-Irfan in the jurisprudence of the Qur'an, translator: Aqiqi Bakhshaishi, Abd al-Rahim, Ch 1, Qom, Passage Quds;2005: p.260.
5. Mousavi Bojnordi M, Comparative Jurisprudence, Criminal Section, Vol. 1, Tehran, Samit Publishing House. 10. Sadeghi, Hadi. Faith in Islam, Islamic Studies Quarterly, No. 1, Winter.3. The Holy;2014: p.210-211.
6. Razi F.A, Student of the thoughts of the early and late scholars of the scholars, the wisdom, and the scholars, al-Husayniyya Press, Egypt;1905: p.342-345.
7. Shahid Thani Z, al-Rawzah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lamaa al-Damashqiyya, Qom, al-Davari school; 2021: p.179.
8. Ibn Manzoor M, Language of the Arabs, Vol. 1, Darahia al-Tarath, Beirut;1998: p.210.
9. Ibn Faris A, Ma'jam Maqais al-Lagheh; researched and recorded by Abdus Salam Muhammad Haroun, Darahiya al-Kitab al-Arabiya, Cair; 1987: p.120.

شده است می بیند و در مقام انتقام از جامعه بر می آید و این انتقام چیزی جز ارتکاب جرایم سخت تر نخواهد بود. با این وجود اسلام با فهم صحیح این نکته، به تشریح این اصل در شریعتش پرداخته (۱) و این بخاطر آن است که اسلام تمام مراحل و مواقع در صدد اصلاح جامعه بشریت برآمده است، و اصلاح حال بشر راهی جز آنچه اسلام آورده ندارد. اما در قوانین بشری در گذشته و حال مشاهده می شود که در برابر کارهای بسیار کوچک و قابل عفو و اغماض، شدیدترین مجازاتها اعمال شده است.(۱۶)

اصل براءت

این اصل بیانگر آن است که تمامی افراد در جامعه بی گناه محسوب می شوند مگر آنکه با دلیل قانع کننده و با شرایط و ضوابطی خلاف آن ثابت گردد. از لحاظ جرم شناسی عدم وجود چنین اصلی مانند سایر اصول پیش گفته دارای تالی فاسد خواهد بود و خیلی از اشخاص با بهانه ی اینکه چه گناهکار باشیم چه بیگناه، مجازات خواهیم شد، به منجلا ب ارتکاب جرایم بسیاری خواهند افتاد. لذا با اهمیت مندرج در این اصل، سیاست کیفری اسلام قضات و مجریان قانون را موظف می کند که تا دلیل قانع کننده ای بر گناه کار بودن شخصی حاصل نشده حکم به براءت آن شخص کنند

آثار تربیتی حاکم بر اصلاح مجرم

علاوه بر این در جای دیگری از قرآن می فرماید: خدا چه نیازی به مجازات شما دارد، اگر شکرگزاری کنید (و نعمت ها را بجا مصرف نمایند) و ایمان آورید، خدا شکرگزار و آگاه است (اعمال و نیت آنها را می داند و به آنچه نیک است، پاداش نیک می دهد) (۱). به تعبیر قرآن کریم: پاداش او را در دنیا دادیم و در آخرت از صالحان است (۱) اینکه مدعی شویم اصل، بازدارندگی است و ابزار رسیدن به آن اهمیت ندارد، با آموزه ها دینی سازگار نیست؛ در نتیجه این امر که فلسفه این قوانین صرفاً بازدارندگی بوده؛ پس بازدارندگی از هر راهی حاصل شود، خوب است همچنین در آیه مربوط به حد زنا در سوره نور نیز تصریح می کند که عده ای از مؤمنان، صحنه اجرای کیفر را مشاهده کنند و در زمان اجرا حاضر باشند. یکی از مهم ترین فایده چنین حضوری، عبرت آموزی از صحنه اجرای کیفر است.

نتیجه گیری

با توجه به اهمیت پژوهش های فقهی در موضوعات مختلف که چه بسا فقهی در مواجهه با قوانین و مقررات جامعه، مطابقت و عدم مطابقت با اسلام را با تو سل بدین تحقیقات فقهی بیان دارد. و پرهیز از آسیب ها و خطرات رو به روی تحقیق فقهی از یک سو، و برتریت و جامعیت فقه شیعی از سوی دیگر، جایگاه و منزلت پژوهش های تحقیق بیش از پیش نمایان می شود غفلت از آسیب های بیان شده در پژوهش های فقهی و نادیده گرفتن فقه پویا، همه و همه در ترسیم دور نمای عدالت کیفری ما را دچار مشکلات فراوانی می کند. از آنچه در این مبحث بیان شد مشخص می گردد که از دیدگاه فقهی شیعه با یک سلسله از قوانین و دستوراتی روبرو می شویم که هر چند در ظاهر چهره ای خشن و زجر آور دارند

10. Sadeghi Hadi, Faith in Islam, Islamic Studies Quarterly, No. 1, Winter.3. The Holy;2007: p.26.
11. Mohaghegh Damad S.M, Rules of Jurisprudence, Chapter 12, Tehran, Islamic Sciences Publishing Center; 2000: p.143.
12. Tabarsi F, Majma al-Bayan fi Ulum al-Qur'an, vol. 1, Dar al-Ahiya al-Truth al-Arabi, Beiru;1994.
13. Nouri Tabarsi M.H, Mostadrak Al-Wasail, Qom: Al-Al-Bait Institute; 1986: p.250.
14. Qomi A. Tafsir of the Holy Qur'an, Volume 1, Dar Kitab Publications, Qom;1995:p.524.
15. Sobhani J, Al-Mabusut fi Usul al-Fiqh, Qom Islamic Publications;2014: p.256.
16. Najafi M.H, Jawahar al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam, Volume 7, Beirut, Lebanon, Al-Murtadha Al-Alamiya Foundation, Dar Al-Historian Arab, first edition; 1991: p.286.